

# موسیقی کار و زندگی



در غرب مازندران (تنکابن قدیم)  
جهانگیر دانای علمی

به همراه لوح فشرده

انتشارات سوره مهر (واسته به حوزه هنری)

دفتر موسیقی



موسیقی، کار و زندگی

در غرب مازندران (تنگابن قدیم)

جهانگیر دانای علمی

طراح جلد: سید محمود حسینی

چاپ: صحافی و لیتوگرافی: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۱۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۴۹۷-۳

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

سرشناسه: دناای علمی، جهانگیر، ۱۳۳۱ -

عنوان و نام پدیدآور: موسیقی، کار و زندگی در غرب مازندران (تنگابن قدیم) /

جهانگیر دناای علمی؛ (برای) دفتر موسیقی سوره مهر.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۵۷۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۰۴۹۷-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فبا

موضوع: موسیقی -- ایران -- تنگابن

موضوع: Music -- Iran -- Tonekabon

موضوع: تنگابن -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی

موضوع: Tonekabon (Iran) -- Social life and customs

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر. دفتر موسیقی

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده‌بندی کنگره: ۸/۱۳۹۵/MLT۴۴

رده‌بندی دیویی: ۷۸۱/۹۲۳۷۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۲۸۴۸۱

تألیف: جهانگیر دناای علمی، جهانگیر، ۱۳۳۱ -

تألیف: ۱۳۹۵ - ۱۳۹۶

تألیف: ۱۳۹۷ - ۱۳۹۸

تألیف: ۱۳۹۹ - ۱۴۰۰

تألیف: ۱۴۰۱ - ۱۴۰۲

تألیف: ۱۴۰۳ - ۱۴۰۴

تألیف: ۱۴۰۵ - ۱۴۰۶

تألیف: ۱۴۰۷ - ۱۴۰۸

تألیف: ۱۴۰۹ - ۱۴۱۰

تألیف: ۱۴۱۱ - ۱۴۱۲

تألیف: ۱۴۱۳ - ۱۴۱۴

تألیف: ۱۴۱۵ - ۱۴۱۶

تألیف: ۱۴۱۷ - ۱۴۱۸

تألیف: ۱۴۱۹ - ۱۴۲۰

تألیف: ۱۴۲۱ - ۱۴۲۲

تألیف: ۱۴۲۳ - ۱۴۲۴

تألیف: ۱۴۲۵ - ۱۴۲۶

تألیف: ۱۴۲۷ - ۱۴۲۸

تألیف: ۱۴۲۹ - ۱۴۳۰

تألیف: ۱۴۳۱ - ۱۴۳۲

تألیف: ۱۴۳۳ - ۱۴۳۴

## فهرست

|                                                           |                                                    |
|-----------------------------------------------------------|----------------------------------------------------|
| ۱۵   مقدمه نویسنده                                        | ۵۶   موسیقی آوازی                                  |
| ۱۸   راهنمای آوا نوشت                                     | ۵۶   نوروز خوانی                                   |
| ۱۹   بررسی مجملی از بندر قدیمی شهسوار تا شهر              | ۵۹   چاووش خوانی (چاووش خونی) یا چاهوشی            |
| جدیدالاحداث شهسوار (تنکابن)                               | ۶۱   موری                                          |
| ۲۱   مقدمه                                                | ۶۲   نواجیش (نوازش)                                |
| ۲۳   تبدیل نام تنکابن به شهسوار                           | ۶۳   موسیقی حماسی                                  |
| ۲۳   خرم آباد مرکز تنکابن قدیم                            | ۶۴   تعزیه و تعزیه خوانی و روضه خوانی              |
| ۳۲   نتیجه                                                | ۶۵   تصنیف‌ها                                      |
| ۳۴   تصاویر                                               | ۶۵   موسیقی‌هایی با متر معین                       |
| ۳۷   نقش تنکابن در حدود و ثغور گیلان و مازندران           | ۶۶   موسیقی مرکز مازندران                          |
| ۳۹   مقدمه                                                | ۶۹   موسیقی شرق مازندران                           |
| ۴۱   آماردها                                              | ۷۰   موسیقی گذاری                                  |
| ۴۱   آماردها در زمان ساسانیان                             | ۷۲   موسیقی غرب مازندران                           |
| ۴۲   حدود مرز در دوران گاو بارگان و دابویگان و پادوسپانان | ۷۴   منظومه‌ها                                     |
| ۴۲   حد و مرز در زمان علویان زیدی                         | ۷۵   موسیقی سازی مازندران                          |
| ۴۳   حد و مرز گیلان و مازندران در زمان استناداران         | ۷۵   موسیقی چوپانی                                 |
| پادوسپانی                                                 | ۸۱   موسیقی درمانی                                 |
| ۴۴   حد و مرز در زمان کیانیان                             | ۸۴   رقص در مازندران                               |
| ۴۴   حد و مرز تنکابن در زمان صفویه                        | ۸۴   سما حال                                       |
| ۴۴   حد و مرز در زمان زندیه                               | ۸۶   لباس سماگر و رقص                              |
| ۴۶   حد و مرز گیلان و مازندران در زمان قاجاریه            | ۸۷   دروم رقص مردان در غرب مازندران                |
| ۴۸   نتیجه                                                | ۸۷   دروم یا دروم بخوردن                           |
| ۵۱   موسیقی مازندران                                      | ۸۷   انواع رقص                                     |
| ۵۳   مقدمه                                                | ۸۸   چند نام و حرکات در هنگام رقص و آواز و شادمانی |
| ۵۵   موسیقی سازی و آوازی در مازندران                      | ۸۸   چند نام از نغمات و اصطلاحات مازندران          |
|                                                           | ۹۱   داستان نجم                                    |

- ۹۴ | سازهای مردم مازندران  
 ۹۶ | کرنا زدن در هنگام سوار شدن حاکم  
 ۹۶ | نواختن کرنا برای حاکم و کرنای رخصت  
 ۹۷ | آواز طبل  
 ۹۷ | سازهای زهی و کمانچه دِتا
- ۱۰۳ | موسیقی گیلان  
 ۱۰۵ | مقدمه  
 ۱۰۶ | حکومت گرانی که در گیلان قدیم به حکومت مشغول بودند  
 ۱۰۷ | ترانه‌ها و آواهای گیلان  
 ۱۱۲ | نروزخوانی  
 ۱۱۳ | تعزیه  
 ۱۱۵ | گاره سری  
 ۱۱۵ | موسیقی در منطقه تالش  
 ۱۱۷ | نظری درباره‌ی ماهه‌دشتی یکی از متعلقات شور  
 ۱۱۷ | سازهای گیلان  
 ۱۱۸ | نواختن نقاره  
 ۱۱۸ | غم و نقاره نکوبیدن  
 ۱۱۹ | نقاره سپهسالاری  
 ۱۱۹ | کوبیدن نقاره برای غرق شدن کسی  
 ۱۱۹ | شادی با نی، دف، نقاره  
 ۱۲۰ | سرنا و نی و لبک و فلوت و دیاره  
 ۱۲۰ | موسیقی در کشتی گبله مردی  
 ۱۲۱ | مجمه‌نوازی یا مجمه‌نوازی و تشت‌نوازی  
 ۱۲۱ | سازهای زهی  
 ۱۲۳ | سنتور  
 ۱۲۳ | آهنگ عروسی و رقص و ..  
 ۱۲۶ | چند رقص از دوران گذشته مردم گیلان  
 ۱۲۸ | چند مراسم از مراغی‌ها  
 ۱۳۱ | بررسی مختصری از آواها و ترانه‌ها و ...  
 ۱۳۱ | ۱. آبکناری  
 ۱۳۱ | ۲. آواز تنگیسار  
 ۱۳۲ | ۳. اِشکوری
- ۱۳۲ | ۴. بجار سری  
 ۱۳۲ | ۵. پشت کوهی  
 ۱۳۳ | ۶. پهلوی خوانی  
 ۱۳۳ | ۷. تشت گلن‌کشی  
 ۱۳۳ | ۸. چاربداری یا چاروده‌داری  
 ۱۳۳ | ۹. چاووشی یا چئوشی  
 ۱۳۴ | ۱۰. حاجیانی  
 ۱۳۴ | ۱۱. آهنگ خره یا خره‌لنگ  
 ۱۳۴ | ۱۳. دیلمان  
 ۱۳۴ | ۱۴. دیلمان دادو  
 ۱۳۴ | ۱۵. دیلمانی  
 ۱۳۴ | ۱۶. گوشه دیلمان، یا (رهنه)  
 ۱۳۴ | ۱۷. رعنا  
 ۱۳۵ | ۱۸. آهنگ رضاخانی  
 ۱۳۵ | ۱۹. ریزخوندگی  
 ۱۳۵ | ۲۰. زرانگیز  
 ۱۳۵ | ۲۱. زرد ملیجه  
 ۱۳۵ | ۲۲. زنگ شتر  
 ۱۳۵ | ۲۳. شرفشاهی  
 ۱۳۹ | ۲۴. شفتی  
 ۱۳۹ | ۲۵. شوندی  
 ۱۳۹ | ۲۶. شهرتی  
 ۱۳۹ | ۲۷. عزیز و نگار  
 ۱۳۹ | ۲۸. غربتی یا غربتی  
 ۱۳۹ | ۲۹. غم‌انگیز متواضع  
 ۱۴۰ | ۳۰. کریشیم بابا (کجا برویم)  
 ۱۴۰ | ۳۱. کبله لی جانم  
 ۱۴۰ | ۳۲. گبری  
 ۱۴۰ | ۳۳. گیلکی  
 ۱۴۰ | ۳۴. آهنگ‌های مربوط به گوسفندان با سازنی  
 ۱۴۱ | ۳۵. لاکو دانه یا لاکو دونه  
 ۱۴۲ | ۳۶. لیلی جان  
 ۱۴۲ | ۳۷. لیلی ماری

- ۱۴۲ | ۳۸. محمودبیک  
 ۱۴۲ | ۳۹. ولگ سری  
 ۱۴۲ | ۴۰. آهنگ ورزا جنگ  
 ۱۴۲ | ۴۱. شلار  
 ۱۴۲ | ۴۲. سرادتن  
 ۱۴۲ | نمونه‌ای از آهنگ مهاجر  
 ۱۴۳ | اصطلاح پایکوبی و دست زدن  
 ۱۴۹ | موسیقی تنکابن  
 ۱۵۱ | مقدمه  
 ۱۵۴ | مراسم آیینی و چند مراسم دیگر در تنکابن  
 ۱۵۴ | مراسم پنجک‌واز گالش‌های تنکابن تا ...  
 ۱۵۴ | پنجک‌واز می‌کنیم عمر دراز می‌کنیم  
 ۱۵۴ | نوروز بل دیلمی  
 ۱۵۷ | شعر خرس آبونی  
 ۱۵۸ | مراسم کشاورزی  
 ۱۵۸ | شعر مبارزه با خوک برای حفاظت کشتزار  
 ۱۵۹ | اشعار گالشی  
 ۱۵۹ | آهنگ‌های مراسم عروسی و شادی و تولد  
 ۱۶۰ | آهنگ‌های غذاها و سبزیجات  
 ۱۶۰ | مراسم عزاداری  
 ۱۶۰ | مراسم تیر ماه سینه‌شو  
 ۱۶۱ | آهنگ‌های شعرهای طنزگونه  
 ۱۶۱ | سازهای مناطق تنکابن  
 ۱۶۲ | آهنگ کشتی نما در تنکابن  
 ۱۶۴ | در مورد ترانه و آهنگ‌های منطقه تنکابن  
 ۱۷۵ | آهوبانی  
 ۱۷۶ | دو چشم زاع  
 ۱۷۶ | باغ  
 ۱۸۳ | آیین‌ها، آهنگ‌ها، گوشواره‌ها و ...  
 ۱۸۳ | ریتم چند مراسم آیینی  
 ۱۸۳ | ۱. شعر خورده‌تابی یا خورده‌تابی  
 ۱۸۵ | ۲. شعر رابچری  
 ۱۸۶ | شعر دیگر از رابچری  
 ۱۸۷ | ۳. عاروس (آروس) گلی یا غولی یا پیربابو  
 ۱۸۸ | ۴. نوروز سلطان یا نوروز نوسال  
 ۱۸۸ | شعر نوروز سلطان یا نوروز نوسال  
 ۱۹۱ | کیجا جانی‌ها و اشعار  
 ۱۹۱ | ۵. آقا نجمان  
 ۱۹۲ | ۶. آمد و رفت  
 ۱۹۲ | ۷. آهم  
 ۱۹۳ | ۸. آه من تیر بگیر  
 ۱۹۳ | ۹. آهوبانی می‌کنم  
 ۱۹۴ | ۱۰. آی کاکوآن  
 ۱۹۴ | گوشواره می‌جانی باز می‌جانی باز می‌جانی  
 ۱۹۵ | ۱۱. اجل  
 ۱۹۵ | ۱۲. ارباب زن  
 ۱۹۵ | اشرفی گردن  
 ۱۹۶ | ۱۵. شعر قدیمی اشکانی در تنکابن  
 ۱۹۶ | اشکانی  
 ۲۰۱ | ۱۶. اشک‌ریزان  
 ۲۰۱ | ۱۷. آگه الله می‌یاره  
 ۲۰۱ | ۱۸. آلا دختر تی نام  
 ۲۰۱ | گوشواره می‌جانی باز می‌جانی باز می‌جانی  
 ۲۰۲ | ۱۹. آلا له من  
 ۲۰۲ | ۲۰. امارت بسا تم  
 ۲۰۳ | ۲۱. امیر المؤمنین  
 ۲۰۳ | ۲۲. انار ترش و شیرین  
 ۲۰۴ | ۲۳. انار دارا  
 ۲۰۴ | ۲۴. آهنگ انار داری  
 ۲۰۵ | ۲۵. اناره قاقچو دنی می‌یاری  
 ۲۰۶ | ۲۶. انگشترم  
 ۲۰۶ | ۲۷. اولادنا جور  
 ۲۰۶ | ۲۸. ایشله  
 ۲۰۹ | ۲۹. باد پریشان (غریبی)  
 ۲۰۹ | ۳۰. باغ  
 ۲۱۰ | ۳۱. باغ مریم

|                                      |                                        |
|--------------------------------------|----------------------------------------|
| ۲۲۹   ۷۰. ترشه تره                   | ۲۱۰   ۳۲. باغ میانه                    |
| ۲۳۰   ۷۱. تره عروس کانم              | ۲۱۱   ۳۳. بال خانی نشینم               |
| ۲۳۱   ۷۲. تو بالای تِلار             | ۲۱۲   ۳۶. بالا خانی نیستی              |
| ۲۳۲   ۷۴. تویچش                      | ۲۱۳   ۳۷. بیافوم شال                   |
| ۲۳۲   ۷۵. تو بیایی                   | ۲۱۳   ۳۸. بجاران                       |
| ۲۳۳   ۷۶. تومتاب گیلانی دختر عمه     | ۲۱۴   ۳۹. بجار سر دری                  |
| ۲۳۳   ۷۷. توم سری                    | ۲۱۴   ۴۰. بدم بلبل می خانه             |
| ۲۳۴   ۷۸. ته بال ساعت                | ۲۱۵   ۴۱. برنج سالاری                  |
| ۲۳۵   ۷۹. تی انبار برنجم             | ۲۱۶   ۴۲. بزم خال تی لیانه لاکو دانه   |
| ۲۳۵   ۸۱. تی بازو نردبانه            | ۲۱۷   ۴۳. بزن بادا                     |
| ۲۳۶   ۸۲. تی پیرهن چین کوتا با       | ۲۱۷   ۴۴. بشیم شاه سفید کو             |
| ۲۳۷   ۸۳. تی دیم گل اناره            | ۲۱۸   ۴۵. بشین بگین جمال               |
| ۲۳۷   ۸۴. تی مار زاما                | ۲۱۸   ۴۶. بلیلی خوش خبر                |
| ۲۳۷   ۸۵. تی مچه خال قربان           | ۲۱۹   ۴۷. بلبله توننال                 |
| ۲۳۸   ۸۶. جانمی توبی                 | ۲۱۹   ۴۸. بلیلی کوه بنال               |
| ۲۳۹   ۸۷. جانہ کیجا                  | ۲۲۰   ۴۹. بلیلی ناله کانی              |
| ۲۳۹   گوشواره لاکو دانه              | ۲۲۰   ۵۰. بلند بالا                    |
| ۲۴۰   ۸۸. جور دشت راه دار            | ۲۲۱   ۵۱. بلند، بالا بندی              |
| ۲۴۰   ۸۹. چاره نبونه                 | ۲۲۱   ۵۲. بوی میخک (عطر میخک)          |
| ۲۴۱   ۹۰. چراغ برق                   | ۲۲۱   ۵۴. بهار آمد                     |
| ۲۴۱   ۹۱. چراغ لمپا                  | ۲۲۲   ۵۵. بهار زرد بشم (غریبی)         |
| ۲۴۱   ۹۲. چراغی سوندنه               | ۲۲۲   ۵۶. بهار لال کاکو                |
| ۲۴۲   ۹۳. چکانن قشون                 | ۲۲۲   ۵۷. به قربان دل دل کینه تو       |
| ۲۴۲   ۹۴. چوب خلیلی                  | ۲۲۳   ۵۸. بی آشیان                     |
| ۲۴۳   ۹۵. چی می گی                   | ۲۲۳   ۵۹. بیا ای روزگار نامناسب        |
| ۲۴۳   ۹۶. حنا                        | ۲۲۴   ۶۰. بیا دختر بیوسم               |
| ۲۴۴   ۹۷. حیدریک و صنمیر             | ۲۲۴   ۶۱. بیا دختر وقی (وفا) مَن نکائی |
| ۲۴۴   ۹۸. خاخر بیه روان ی بیم        | ۲۲۵   ۶۲. بی تو بونه روز؟              |
| ۲۴۵   ۹۹. خاطرخواه                   | ۲۲۵   ۶۳. بیگانه بهتره تا خودمانی      |
| ۲۴۵   ۱۰۰. خیر آمد                   | ۲۲۶   ۶۵. بی وفا                       |
| ۲۴۵   ۱۰۱. خدا خدا بزن مَن بیوم خیاط | ۲۲۶   ۶۶. پل بیرده                     |
| ۲۴۶   ۱۰۲. خراسان می روم             | ۲۲۸   ۶۸. تاراج به دیوان               |
| ۲۴۷   ۱۰۳. خروس بانگ نکن             | ۲۲۸   ۶۹. تا می ولایت خیلی راهه        |

|                                     |                                     |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| ۲۴۷   ۱۰۴. خواب ابرو                | ۲۷۰   ۱۴۳. زمین خدا                 |
| ۲۴۷   ۱۰۵. خواستگار                 | ۲۷۰   ۱۴۴. زوار خراسان              |
| ۲۴۸   ۱۰۶. خوره آفتاب زنه           | ۲۷۰   ۱۴۵. زیارت                    |
| ۲۴۸   گوشواره (پری جون)             | ۲۷۱   ۱۴۶. زینب در بچاره            |
| ۲۴۸   ۱۰۷. خوکری                    | ۲۷۱   ۱۴۷. سبزه بوئم                |
| ۲۵۱   ۱۰۸. خیاطی                    | ۲۷۱   ۱۴۸. ستاری آسمون              |
| ۲۵۱   ۱۰۹. دامون بُمانس             | ۲۷۴   ۱۵۰. سربازی                   |
| ۲۵۱   ۱۱۰. دختر                     | ۲۷۴   ۱۵۲. سرراهان                  |
| ۲۵۲   ۱۱۱. دختر عامو                | ۲۷۴   ۱۵۳. سرسبزی                   |
| ۲۵۲   ۱۱۲. دراز تنبان               | ۲۷۵   ۱۵۴. سر کوی بلند الله اکبر    |
| ۲۵۲   ۱۱۳. در باز کن                | ۲۷۷   ۱۵۷. سر کوه بلند سر منزل شیر  |
| ۲۵۲   ۱۱۴. درخت بیدم                | ۲۷۷   ۱۵۸. سر کوی بلند من باشم و تو |
| ۲۵۳   ۱۱۵. درخت پرتقال              | ۲۷۹   ۱۶۱. سُرمه                    |
| ۲۵۵   ۱۱۹. دریا                     | ۲۸۰   ۱۶۲. سفر                      |
| ۲۵۵   ۱۲۰. دل دلخا بسوزه            | ۲۸۰   ۱۶۳. سمرقند                   |
| ۲۵۶   ۱۲۱. دلبر جانم                | ۲۸۳   ۱۶۴. سنه                      |
| ۲۵۶   ۱۲۲. دلبر حالم خرابه گر بدانی | ۲۸۴   ۱۶۵. سوغات هدم                |
| ۲۵۷   ۱۲۳. دلم تنگه                 | ۲۸۴   ۱۶۶. سه غم آمد                |
| ۲۵۸   ۱۲۴. دو تا بلبل               | ۲۸۵   ۱۶۷. سه کله سیف دار           |
| ۲۵۸   ۱۲۵. دو تا سیبیم              | ۲۸۶   ۱۶۹. سه مثقال طلای گوشواره    |
| ۲۶۰   ۱۲۷. دو تا کبوتریم            | ۲۸۶   ۱۷۰. سیاه ابر                 |
| ۲۶۱   ۱۲۸. گوشواره لاکو دانه        | ۲۸۷   ۱۷۱. سیاه تولمی               |
| ۲۶۲   ۱۲۹. دو چشم زاغ               | ۲۸۷   ۱۷۲. سیاه گلو ور              |
| ۲۶۲   ۱۳۰. رز نگیره                 | ۲۸۷   ۱۷۳. سیب دانه                 |
| ۲۶۳   ۱۳۱. روز بی وقتی              | ۲۸۸   ۱۷۴. سیکا                     |
| ۲۶۴   ۱۳۲. رنگ رویت                 | ۲۸۹   ۱۷۵. آهنگ سیما جانی           |
| ۲۶۴   ۱۳۳. ریز ریحان                | ۲۹۱   ۱۷۶. شانا کنم من              |
| ۲۶۴   ۱۳۴. زبان زرگری               | ۲۹۲   ۱۷۷. شب تار                   |
| ۲۶۵   ۱۳۵. زرا                      | ۲۹۳   ۱۷۸. شب شبنم                  |
| ۲۶۵   ۱۳۶. زرج                      | ۲۹۴   ۱۸۰. شب نشینی                 |
| ۲۶۸   ۱۳۹. زرج البرز کوه            | ۲۹۴   ۱۸۱. شتر گم کرده ام           |
| ۲۶۸   ۱۴۰. زرگر کیجا                | ۲۹۴   ۱۸۲. شکایت                    |
| ۲۶۹   ۱۴۱. زعفران                   | ۲۹۵   ۱۸۳. شمی ملی                  |

|                                  |                                           |
|----------------------------------|-------------------------------------------|
| ۲۹۵   ۱۸۴. شهرتی                 | ۳۱۳   ۲۱۷. کُرْزُل                        |
| ۲۹۵   ۱۸۵. شهسوار و گلیجان       | ۳۱۴   ۲۱۸. کرمنکتابه                      |
| ۲۹۶   ۱۸۶. طفل عراقم             | ۳۱۴   ۲۲۰. کشکو محله                      |
| ۲۹۷   ۱۸۷. عامو پسر              | ۳۱۵   ۲۲۱. کلاه پهلوی (سربازی)            |
| ۲۹۷   ۱۸۸. غسل بیوم              | ۳۱۵   ۲۲۲. کلاه ر کج ننی                  |
| ۲۹۷   ۱۸۹. عطر تو مستم           | ۳۱۶   ۲۲۴. کلاه مَن دوخته دارُم (سربازی)  |
| ۲۹۸   ۱۹۰. علی المؤمنین          | ۳۱۷   ۲۲۵. کلشُم آه کلشُم                 |
| ۲۹۸   ۱۹۱. عمو پسر               | ۳۱۹   ۲۳۰. کلشُم کِلدار                   |
| ۲۹۹   ۱۹۲. غریبی                 | ۳۲۰   ۲۳۱. کوجه مو جنی                    |
| ۲۹۹   ۱۹۳. غریبی جانشینی         | ۳۲۰   ۲۳۲. کورا کورا شونی                 |
| ۲۹۹   ۱۹۴. غریبی سمناک           | ۳۲۱   ۲۳۳. کورا کورا شینی                 |
| ۳۰۰   ۱۹۵. غریبی غمناک           | ۳۲۱   ۲۳۴. کوزی ماس                       |
| ۳۰۰   ۱۹۶. فکل وَچِی             | ۳۲۱   ۲۳۵. کولاکی                         |
| ۳۰۱   ۱۹۷. قَدِ می یار           | ۳۲۲   ۲۳۶. کوه به کوه مِجَنیه (غریبی)     |
| ۳۰۱   ۱۹۸. قرانی نیم قرانی       | ۳۲۲   ۲۳۷. کیجا جان                       |
| ۳۰۲   ۱۹۹. قربان                 | ۳۲۳   ۲۳۸. کیجا جانی                      |
| ۳۰۲   ۲۰۰. قربان رویت (غریبی)    | ۳۲۳   ۲۳۹. کیجا جانی حلال همسر مَن        |
| ۳۰۳   ۲۰۱. قرمز چاشو             | ۳۲۳   ۲۴۰. کیجا ر                         |
| ۳۰۴   ۲۰۲. قسمت مَن              | ۳۲۴   ۲۴۱. کیجارین                        |
| ۳۰۴   ۲۰۳. قِشَنگ یاره           | ۳۲۶   ۲۴۲. کیجاکان در بجارن               |
| ۳۰۵   ۲۰۴. قِشَنگ کیجا           | ۳۲۶   ۲۴۳. گلدسته                         |
| ۳۰۵   ۲۰۵. قلیان                 | ۳۲۷   ۲۴۴. گل ریحان                       |
| ۳۰۵   ۲۰۶. قُلی گریا (قله گر)    | ۳۲۷   ۲۴۵. گل زردا، گل سرخا، گل نار       |
| ۳۰۷   ۲۰۷. کبوتر                 | ۳۲۸   ۲۴۶. گل سیزا، گل سرخا، گل ناز       |
| ۳۰۷   ۲۰۸. کبوتر آی کبوتر        | ۳۲۸   ۲۴۷. گل سرخ و سفید باغ تو بودم      |
| ۳۰۸   ۲۰۹. کبوتر بچه             | ۳۲۹   ۲۵۰. گل سرخا و سفید باغ تو هستم ۳۳۰ |
| ۳۰۸   ۲۱۰. کجا بودی              | ۳۳۰   ۲۵۱. گل گندم منو کشت                |
| ۳۰۹   ۲۱۱. کجا کار می کنی        | ۳۳۰   ۲۵۲. گلیجان کنار                    |
| ۳۰۹   ۲۱۲. کجا کجا دبی           | ۳۳۳   ۲۵۴. گلی چیدم                       |
| ۳۱۰   ۲۱۳. کُجه دبی              | ۳۳۳   ۲۵۵. گهواره داری                    |
| ۳۱۰   ۲۱۴. کُجه لاکو (کوچی لاکو) | ۳۳۳   ۲۵۶. گیلان آیداران                  |
| ۳۱۱   ۲۱۵. کُراشوم بابا          | ۳۳۴   ۲۵۷. لاله بچینُم                    |
| ۳۱۲   ۲۱۶. کرجی بان              | ۳۳۴   ۲۵۸. لب دریا                        |

|                             |                                          |
|-----------------------------|------------------------------------------|
| ۲۵۹   لب دریا نیشتم         | ۲۵۶   می کرکی                            |
| ۲۶۰   لچ کردی دلبر          | ۲۵۷   می گل دسه                          |
| ۲۶۱   لِمرا کوهه            | ۲۵۷   می لی لی در بجاره                  |
| ۲۶۲   لیلا رو می خوام       | ۲۵۷   می یار بیتُم                       |
| ۲۶۳   ماشین                 | ۲۵۸   ناله                               |
| ۲۶۴   ما نداریم             | ۲۵۸   نامزدبازی                          |
| ۲۶۵   (ماه و ستاره)         | ۲۵۸   نَخسْتُم                           |
| ۲۶۶   ماهی کیور             | ۲۵۹   نُماشته سر                         |
| ۲۶۷   مدرسه راه             | ۲۵۹   نمی دانم بگویم یا آی نگویم (غریبی) |
| ۲۶۸   مرا زینب نگوید        | ۳۶۰   نمی گویی                           |
| ۲۶۹   مِر تی عقد خدا دَسه   | ۳۶۰   نِهال سَبز کردم                    |
| ۲۷۰   مِر حالی نابونه       | ۳۶۰   وطن دوره (غریبی)                   |
| ۲۷۱   مِرِه باور نبونه      | ۳۶۱   وطن دورا و درازا (غریبی)           |
| ۲۷۲   مزره آب بُمه          | ۳۶۲   هالی خانی داری                     |
| ۲۷۳   مزر لک نیشتی          | ۳۶۳   هَدن یه آب خوردن                   |
| ۲۷۴   مسلمانان              | ۳۶۳   هکانم لا لا                        |
| ۲۷۵   مسلمانان می دل        | ۳۶۴   هواپیما                            |
| ۲۷۶   مشتی میرزا            | ۳۶۴   هوار ابر بیتا                      |
| ۲۷۷   مین تی اجیرم          | ۳۶۶   همساده کیجا                        |
| ۲۷۸   مَن تی قربان          | ۳۶۶   یار بگیتُم                         |
| ۲۷۹   مَن دَرُم حال سَر     | ۳۶۸   یار بیتُم                          |
| ۲۸۰   مَنُم بی نازنیتُم     | ۳۶۸   یه دسته تی تی                      |
| ۲۸۱   مَنُم تی قربان        | ۳۷۰   یه دسه گل                          |
| ۲۸۲   مَنی که نچار نیتُم    | ۳۷۰   یه دل دارم                         |
| ۲۸۴   مَن چاله بانم (غریبی) | ۳۷۳   لالایی ها                          |
| ۲۸۵   موچاله بانم           | ۳۷۳   الا لا لا بخوس                     |
| ۲۸۶   مولایی کار            | ۳۷۶   سربازی                             |
| ۲۸۷   موهای تو بور          | ۳۷۷   منظومه ها                          |
| ۲۸۹   مهتاب شب              | ۳۷۷   پهلوان علی                         |
| ۲۹۰   مهمان                 | ۳۷۹   پهلوان فرامرز                      |
| ۲۹۱   میج دانه              | ۳۸۲   تالشی دَر به دَر                   |
| ۲۹۲   می دل جوش و خروشه     | ۳۸۸   تو ای خانم سکینه (تو ای خانم یکیه) |
| ۲۹۳   می سرد و گرم طارم     |                                          |

|                                          |                                          |
|------------------------------------------|------------------------------------------|
| ۳۹۱   ۳۲۹. چندی کیجا                     | ۴۶۹   ۳۴۴. بهار بابایا خود ر بهار بزم مه |
| ۳۹۳   ۳۳۰. رعنا                          | ۴۷۰   ۳۴۶. بهار دکتیا همه جا بهاره       |
| ۴۰۴   ۳۳۱. زرانگیز (زرانگیس)             | ۴۷۰   ۳۴۷. پیروک بز نقاره                |
| ۴۰۶   شعر زرانگیز                        | ۴۷۱   ۳۴۸. جفت ستاره                     |
| ۴۰۸   شعر دیگری از زرانگیز               | ۴۷۲   ۳۴۹. چرا شیر تو نداره؟             |
| ۴۱۰   شعری دیگر از زرانگیز               | ۴۷۳   ۳۵۰. خوجیره                        |
| ۴۱۱   ۳۳۲. صبورا                         | ۴۷۷   ۳۵۶. خورو خواب بدی بام             |
| ۴۱۲   شعر صبورا                          | ۴۷۷   ۳۵۷. درد دوا توئی تو               |
| ۴۱۸   سیف الله خانه                      | ۴۷۸   ۳۵۸. دریا دکتیا خود ر کنار بزم من  |
| ۴۱۹   شعر دیگر از سیف الله خانی (صبورا)  | ۴۷۸   ۳۵۹. دریای منا هال بزم دار بیویار  |
| ۴۲۰   شعری دیگر از سیف الله خانی         | ۴۷۹   ۳۶۱. دوشان گونیا                   |
| ۴۲۱   سیف الله خانی                      | ۴۷۹   ۳۶۲. دین بروته هددین               |
| ۴۲۴   ۳۳۳. طالبا                         | ۴۸۰   ۳۶۳. زوج بکشین می میشان            |
| ۴۲۶   داستان طالبا                       | ۴۸۲   ۳۶۵. زیر گل سبز نبونه              |
| ۴۲۷   طالب غریبه                         | ۴۸۳   ۳۶۶. سبزه ای با صفا با             |
| ۴۳۲   ۳۳۴. عزیز و نگار                   | ۴۸۳   ۳۶۷. سر منزل حیوانه                |
| ۴۳۵   شعر عزیز و نگار                    | ۴۸۴   ۳۶۹. سیاه زمستان                   |
| ۴۳۷   ریتیم عزیز نگار                    | ۴۸۵   ۳۷۰. صاحب زمان درهانه              |
| ۴۳۹   آهنگ عزیز و نگار                   | ۴۸۵   ۳۷۱. صلوات سلام در آنه             |
| ۴۴۶   ۳۳۵. علی به بی                     | ۴۸۶   ۳۷۲. علی یه چندی جوان پساته        |
| ۴۴۹   ۳۳۶. علی عاموی بی غیرت             | ۴۸۶   ۳۷۳. قاضی محمدیا حاکم خدا بیوید    |
| ۴۵۲   ۳۳۷. آهنگ مریم                     | ۴۸۷   ۳۷۴. قلیان بکشیا                   |
| ۴۵۶   ۳۳۸. مو آهوی تو                    | ۴۸۷   ۳۷۵. کهنه ریاط بی در               |
|                                          | ۴۸۸   ۳۷۷. کوزه آب دکردیا                |
| ۴۵۹   امیری                              | ۴۸۸   ۳۷۸. کی خوتن خوجیره؟               |
| ۴۵۹   امیر پازواری معروف به شیخ العجم    | ۴۸۹   ۳۷۹. گاوی گره کانیا                |
| ۴۶۳   آواز امیری                         | ۴۹۰   ۳۸۰. مرد سر الاله                  |
|                                          | ۴۹۰   ۳۸۱. مرز سر الاله                  |
| ۴۶۵   اشعار امیری                        | ۴۹۰   ۳۸۲. میان درختان چه بد نمود تو سا  |
| ۴۶۵   ۳۳۹. آب دریا چه شوره؟              | ۴۹۱   ۳۸۳. می کار چه زار بیی یه          |
| ۴۶۶   ۳۴۰. استاد قله گر                  | ۴۹۲   ۳۸۵. ننه حوا کم نیه                |
| ۴۶۷   ۳۴۱. امیر المؤمنین دل دل سوار هانه | ۴۹۲   ۳۸۶. وایر بمانس دوشان              |
| ۴۶۷   ۳۴۲. امیر ما میرم                  | ۴۹۳   ۳۸۷. ولگ بکرته خرما می             |
| ۴۶۸   ۳۴۳. باهار بابایا ولگ بارسه        |                                          |

۴۹۳ | ۳۸۸. هرگز مَشْت نبویار

۴۹۴ | ۳۸۹. یه بار جوان بیوم مَن

### ۴۹۹ | اشعار گالشی

۴۹۹ | ۳۹۰. پشت گلیا دل نقره طلایه

۵۰۰ | ۳۹۲. پشت گلیا دل نقره طلایی

۵۰۱ | ۳۹۳. تلوم گاوی

۵۰۱ | ۳۹۴. زوج بکیشین می میشان

۵۰۴ | ۳۹۹. سرمه برمه کانه

۵۰۵ | ۴۰۰. سرم درد می کند

۵۰۵ | ۴۰۱. سیالان

۵۰۶ | ۴۰۲. شیش

۵۰۹ | ۴۰۵. کُرج ما

۵۰۹ | ۴۰۶. کبلایی باقر

۵۱۰ | ۴۰۷. کله چال

۵۱۱ | ۴۰۸. کوزی ماس

۵۱۱ | ۴۰۹. گالش گالش ورس

۵۱۱ | ۴۱۰. موگله بانم

۵۱۳ | ۴۱۴. وایر بُمانس دوشان

۵۱۴ | شعری ناتمام: اما با درون مایه طنز

۵۱۴ | ۴۱۵. وجه شان گریه کانن

### ۵۱۵ | اشعار چروه‌داری یا چربه‌داری

۵۱۵ | توضیح مختصر درباره چروه‌دارن

۵۱۷ | ۴۱۶. بار دَبیسم دَر بَشوم کوه

۵۱۸ | ۴۱۸. بیار باران

۵۱۹ | ۴۲۱. بی‌آشیان

۵۱۹ | ۴۲۲. پیرهن چرکی

۵۲۰ | ۴۲۳. تره قربان

۵۲۰ | ۴۲۴. جنگلیان

۵۲۱ | ۴۲۵. چربه‌داری خوبا دراز شبی

۵۲۱ | ۴۲۶. چربه‌داری خوبه دو زار روخانه

۵۲۲ | ۴۲۷. سَمَن قاطر

۵۲۲ | ۴۲۸. آهنگ چروه‌داری با گوشواره

۵۲۴ | ۴۲۹. کُرنند بار کُئم

۵۲۴ | ۴۳۰. مریم بانو

۵۲۵ | ۴۳۱. موچربه دارم

۵۲۵ | ۴۳۲. نَکُردم چاروه‌داری

۵۲۶ | ۴۳۴. هوای تنکابن تریک آبا

### ۵۲۹ | اشعار موضوع و اتفاقات

۵۲۹ | ۴۳۵. امان عربُرده، دکتر خر بَمُرده

۵۲۹ | ماجرای خر

۵۳۱ | ۴۳۶. برف ۱۳۴۷

۵۳۴ | ۴۳۷. حبیب‌الله

۵۳۶ | ۴۳۸. حسابدار املاک

۵۳۷ | ۴۳۹. حیدر خان

۵۳۸ | ۴۴۰. چپو کردند

۵۴۰ | ۴۴۱. صفیه

۵۴۲ | ۴۴۲. فیضی درویش گیره

۵۴۳ | ۴۴۳. محرمعلی

۵۴۴ | ۴۴۴. مشروطه

### ۵۴۷ | گوشواره‌ها

۵۴۷ | گوشواره یا ترجیع‌بند

۵۴۷ | ۴۴۵. آی امانه

۵۴۷ | ۴۴۶. آی می‌جان حاج خانمی

۵۴۸ | ۴۴۷. آی می‌جان سید مُتَرَم

۵۴۸ | ۴۴۸. آی می‌جانی می‌آ خدا

۵۴۸ | ۴۴۹. الهی تش بگیره تی ماره جانِه لاکو دانه

۵۴۸ | ۴۵۰. الهی مَرَم بمیرُم تو بمانی

۵۴۸ | ۴۵۱. الهی مَن بمیرُم

۵۴۸ | ۴۵۲. الهی مَنَم بمیرُم تو بُمانی

۵۴۹ | ۴۵۳. امان می‌ولگ خنش

۵۴۹ | ۴۵۴. امان می‌ولگ کاهو

۵۴۹ | ۴۵۵. امره مُحال نُکانی

۵۴۹ | ۴۵۶. امره مُحال نُکانی باز می‌جانی

۵۴۹ | ۴۵۷. ای خدا ای امان حال ندارم

- ۵۵۰ | ۴۵۸. ای خدا ای امان لار دانه  
 ۵۵۰ | ۴۵۹. ای خدا ای امان لمپای لوله  
 ۵۵۰ | ۴۶۰. ایشله  
 ۵۵۰ | ۴۶۱. باز می جانه  
 ۵۵۱ | ۴۶۲. باز می جانی، آی می جانی  
 ۵۵۲ | ۴۶۳. باز می جانی باز می جانی  
 ۵۵۲ | ۴۶۵. بیج بیج کاهو  
 ۵۵۳ | ۴۶۶. پدر اون تر بمانه  
 ۵۵۳ | ۴۶۷. بزم خال تی لبانه  
 ۵۵۳ | ۴۶۸. بمیرم آخ بمیرم  
 ۵۵۳ | ۴۶۹. بنیش من تره بنالم  
 ۵۵۳ | ۴۷۰. بنیش وی همه بینن  
 ۵۵۳ | ۴۷۱. بیه بشیم خانه  
 ۵۵۳ | ۴۷۲. پری جون  
 ۵۵۴ | ۴۷۳. تر جوانی، نامهریانی  
 ۵۵۴ | ۴۷۴. تی اون خال سر لب ره بمیرم آخ بمیرم  
 ۵۵۴ | ۴۷۵. تی قد داره چناره  
 ۵۵۴ | ۴۷۶. تی قربان بیوم من  
 ۵۵۴ | ۴۷۷. مزر آب بومه پل بیرده - چره  
 ۵۵۵ | ۴۷۸. خدایا ای امان تاکی بنالم  
 ۵۵۵ | ۴۷۹. دردَم مَره وانه  
 ۵۵۵ | ۴۸۰. راه بشییا بیه، راه نبونه  
 ۵۵۵ | ۴۸۱. علی جان تی غلام بیوم  
 ۵۵۵ | ۴۸۲. علی علی آقا امیر المؤمنین  
 ۵۵۵ | ۴۸۳. علی علی جان  
 ۵۵۶ | ۴۸۴. گوشت کبوتر  
 ۵۵۶ | ۴۸۵. گیسو افشانه  
 ۵۵۷ | ۴۸۹. لاکو دانه  
 ۵۵۸ | ۴۹۶. مار یه دانه  
 ۵۵۸ | ۴۹۸. منم تی قربان  
 ۵۵۸ | ۴۹۹. می جانه لاکودانه  
 ۵۵۹ | ۵۰۱. می جانه مَره بومانه  
 ۵۵۹ | ۵۰۲. می جانی باز می جانی باز می جانی
- ۵۵۹ | ۵۰۵. می دردَم خَ خلی یه  
 ۵۶۰ | ۵۰۶. می گرد گرد گرده - می دور دور بگرده  
 ۵۶۰ | ۵۰۷. می گرم طارم  
 ۵۶۰ | ۵۰۸. وُشوم  
 ۵۶۰ | ۵۰۹. یا علی دنیا دو روزه  
 ۵۶۰ | ۵۱۰. یا علی، علی جان
- ۵۶۱ | نام آهنگ‌هایی که در CD آورده شده
- ۵۶۹ | منابع کل کتب  
 ۵۷۲ | مقالات  
 ۵۷۴ | وبسایت

## مقدمه نویسنده

کتاب حاضر حاصل چندین سال تحقیق میدانی و کتابخانه‌ای و همچنین همراه با ضبط صدای روستاییان مناطق تنکابن در طی چند دهه می‌باشد. متأسفانه به علت فاصله زمانی تا چاپ آن و جابه‌جایی از شهری به شهر دیگر، بعضی از نوارها گم شده است. بانی اصلی و مشوق من برای چاپ این کتاب، تشویق و ترغیب استاد گرامی، جناب آقای رضا مهدوی بود، چون با یاری ایشان چند نمونه از کارهایم، در مورد ترانه‌های مناطق تنکابن، در ماهنامه «مقام موسیقایی» به چاپ رسیده بود و در جریان کارهایم بودند، که امیدوارم همیشه سالم و تندرست و کماکان در کارهای فرهنگی و پژوهشی پیشگام باشند.

ترانه‌های ضبط شده بر روی CD با صدای آقایان:

امیرعلی بالاسی، حجت بالاسی، امیری دلنگستانی، خان علی عاشوری، علی اکبر خواجوی و خانم سکینه ناصری (معروف به عیسی خان عمو زن) و... می‌باشد. عنوان نکردن نام کسی که منظومه زرانگیز (زرانگیس) و ترانه‌های «پری جون» را خوانده است از روی عمد نیست بلکه نام ایشان در میان نوارهایی بود که متأسفانه در طی این سال‌ها گم شد و در دسترس نبود که در اینجا از ایشان پوزش می‌خواهم همچنین باید یادآوری نمایم، چون با جدا شدن شهرهای عباس‌آباد و متل‌قو و کلارآباد، حدود و ثغور جمعیت و موارد دیگر، دچار تغییرات شده بود؛ بنابراین از استادم دکتر حبیب‌الله مشایخی

درخواست نمودم که موارد فوق را برایم بنویسند که ایشان با رویی گشاده درخواستم را قبول نمودند. اشعار این کتاب را برای بررسی و بازبینی به دوست عزیزم جناب آقای حسین شورمیج تحویل دادم که پس از خواندن و بررسی، نکاتی را متذکر شدند که از ایشان تشکر می‌کنم.

چون در گذشت دوران، بیشتر آهنگ‌ها و ترانه‌های تتکابنی (با کلام و بی‌کلام) فاقد نام شده‌اند، نگارنده بر اساس نام بردن روستاییان برای هر ترانه، نامی را عنوان کرده تا هر کدام هویتی داشته باشد، با توجه به اینکه بعضی از نام‌هایی که به اسم ترانه‌های تتکابنی در بعضی از کتاب‌ها یاد می‌شود، خوانندگان تتکابنی‌ها از آن نام برای شناسایی آهنگ استفاده نمی‌کنند، شاید کسانی که چند دهه پیش در صدد جمع‌آوری آهنگ‌ها بودند به علت عدم آشنایی با فرهنگ مناطق گیلان و مازندران هر ترجیع‌بند یا گوشواری را که می‌شنیدند از آن به جای نام آن ترانه استفاده می‌کردند مانند آهنگ «لاکو ته ننه بمیره» که نام اصلی آن آهنگ نمی‌باشد و گوشواره اصلی آن «الهی (کیجا) تی ماری بمیره» (دختر مادرت بمیرد) یا «لاکو تی ماری بمیره» است، زیرا در این مناطق به مادربزرگ «ننه» یا «گنه مار» «پيله مار» یا «پيله ننه» می‌گویند، و اکثر نقاط به مادر، «مار» یا «ماری» و به ندرت به مادر، «ننه» می‌گویند چنان‌که در بعضی نقاط گیلان به مادر «اباجی» - «اجی» یا «دادا» هم گفته می‌شود؛ اما کاربرد نام «مار» یا «ماری» در مناطق گیلان و مازندران نسبت به دیگر نام‌ها بیشتر است که می‌توان گفت: نسبت به دیگر واژه‌ها، همگانی‌تر و بیشترین کاربرد را دارد. چنان‌که در قرن هشتم از این واژه با معنای کنونی در گفتار استفاده می‌شد. سید ظهیرالدین مرعشی در کتاب: طبرستان، رویان، مازندران از واژه «مار» یاد کرده است. در واقعه‌ای که مرعشیان به رهبری «سید قوام‌الدین مرعشی» در منطقه‌ای به نام «جلالک پرچین مار» یا پرچین مادر جلالک، کیا افراسیاب چلابی (چلاوی) را شکست دادند. (تاریخ طبرستان، رویان مازندران، ۱۳۶۱: ۱۷۸ و ۱۷۹)، یا آهنگ «ماری» که هیچ ربطی به موضوع شعر ندارد و به نظر می‌رسد خود دارای حکایتی مستقل می‌باشد که در بخش «کیجا جانی‌ها و اشعار» چند مورد از مطالب عنوان شد. به همین منظور در انتهای کتاب بخشی را به «گوشوارها» یا «ترجیع‌بندهای» معروف این مناطق اختصاص داده‌ایم تا موضوع ملموس شود. البته به طور استثناء چند گوشواره خیلی معروف نیز، به نام ترانه‌ای در این مناطق متداول است که در این کتاب از آن هم یاد شد. نگارنده در حد امکان و توانایی خود سعی نموده بیشتر واژه‌ها را معنی کند، اگر بعضی

از واژه‌ها نامفهوم بود، آن‌ها نیز نوشته شد تا شاید توسط اهل فن مورد بررسی قرار بگیرد زیرا بر این عقیده هستم که نوشتن بهتر از ننوشتن است. همچنین ممکن است این کتاب اشکالاتی داشته باشد که امیدوارم توسط خوانندگان به نویسنده اعلام شود تا در چاپ بعدی، نقایض برطرف شود.

ابتدا مطالب این کتاب بر اساس شرحی از شهر تنکابن که در دوران پهلوی، شهسوار نام داشت آغاز کردیم و پس از آن حدود و ثغور تنکابن از زمان‌های دور را نوشتیم (که بسیار گسترده‌تر از تنکابن کنونی بود) تا زمانی که تنکابن از گیلان جدا و جزء حدود مازندران شد، یا به مازندران پیوست، آنگاه شرح مختصری از موسیقی گیلان و مازندران و موسیقی تنکابن نوشته شد تا خوانندگان بیشتر در جریان موسیقی مناطق یاد شده قرار گیرند. بدیهی است که از اسم بردن تمام موارد مربوط به ترانه‌ها یا آهنگ‌های مناطق گیلان و مازندران، اجتناب ورزیدیم چون هم صفحات بیشتری را در بر می‌گرفت و باعث دور شدن از موضوع اصلی می‌شد.

اسم ترانه‌ها و منظومه‌ها و آوازها، امیری‌ها و غیره که در تنکابن خوانده می‌شود در CD ضبط شده و در انتهای کتاب آمده است، شاید کیفیت پایین نوارهایی که در طی سی یا سی و پنج سال پیش ضبط شده، باعث شود تا به همراه این کتاب عرصه نشود؟! با توجه به موارد یاد شده چند CD که معرف فرهنگ، زبان، اندیشه‌های مردم روستایی این شهرستان است در اختیار همسر و فرزندم رویان قرار داده‌ام، امکان دارد در آینده برای اهل موسیقی این کشور پاک، مفید واقع شود.

البته ریتم ترانه‌های دیگری نیز وجود دارد که در CD اصلی نیامده است ولی به صورت مجزا همراه با شماره‌گذاری بیت‌های هر شعر و ریتم‌ها در اختیار همسر و فرزندم می‌باشد، مانند: ای وای خر بمرده، برف ۴۷، و... چون ابتدا می‌خواستم که تمام آهنگ‌ها به نت نوشته شود که بنا به عللی منصرف شدم.

در خاتمه این نوشتار، از همسر م خانم فرشته عبدلهی و دخترم رویان دانای علمی که سال‌ها با صبر و حوصله و شکیبایی مرا تحمل کردند تشکر می‌کنم، گرچه همسر م چون اهل تحقیق و پژوهش است می‌داند که بر من و امثال من چه می‌گذرد.

تهران ۱۳۹۱

Jahan-Elmi@yahoo.com

# راهنمای آوا نوشت

|               |     |
|---------------|-----|
| خ             | x   |
| د             | d   |
| ز             | z   |
| ر             | r   |
| ژ             | ʒ   |
| س - ص - ز - ت | s   |
| ش             | ʃ   |
| ف             | f   |
| ق - گ         | q   |
| ک             | k   |
| ج             | G-g |
| ل             | l   |
| م             | m   |
| ن             | n   |
| و             | v   |
| ی             | y   |
| او - او       | ow  |

|                                     |   |
|-------------------------------------|---|
| آ                                   | ā |
| ا                                   | a |
| اکشیده                              | ā |
| تواند در آخر بعضی کلمات و غیر ملفوظ | e |
| ا                                   | e |
| اکشیده                              | e |
| ا                                   | o |
| اکشیده                              | ō |
| او                                  | u |
| و                                   | ū |
| ای                                  | i |
| ب                                   | b |
| پ                                   | p |
| ت - ط                               | t |
| ج                                   | j |
| چ                                   | č |
| ح                                   | h |

## بررسی مجملی از بندر قدیمی شهسوار تا شهر جدید الاحداث شهسوار (تنکابن)

### چکیده مطلب

هدف از نوشتن این مطلب بیان و شرح مختصری است از چگونگی شکل‌گیری شهر شهسوار که در ازمنه گذشته به آن تنکابن<sup>۱</sup> می‌گفتند که بافت کل شهری و گسترش آن بعد از سال ۱۳۱۰ خورشیدی شروع شد. یعنی از زمانی که چند اداره مهم کم‌کم، از خرم‌آباد به بندر شهسوار<sup>۲</sup> انتقال داده شدند که بدان واسطه، این شهر کم‌کم آباد و معمور شد؛ زیرا پیش

۱. تنکابن: یا پایین دژ - تنکا، قلعه‌ای بوده است در حوالی قلعه گردن و اولیاءالله آملی از آن در سال ۵۶۰ ه. ق از آن یاد کرده است.

درباره علت نامگذاری، یا چگونگی تلفظ آن اختلاف نظرهایی بین اهل تحقیق وجود دارد. عده‌ای آن را تنکابن Tonekābon گویند. عده‌ای، تنکابن Tankābon خوانند. نگارنده چندین سال قبل که درباره تاریخ و فرهنگ عامه تنکابن تحقیق می‌کردم از چند نفر گالش‌های منطقه واژه تنکابن Tenekābon را هم شنیدم. البته اولیاءالله آملی در کتاب تاریخ رویان در زمان «امیر ناماور» از واژه «تنکاه بن» هم نام برده که قابل تأمل است. وی می‌نویسد: «زمانی که کیکاوس هزار اسب (۵۷۲ - ۵۳۵) پادشاه دیلمان بود مردم رویان بر امیر ناماور نامی جمع شدند و امیر ناماور مزبور دعوی کرد که من از قبیله استندارانم لیکن ایشان را به خویشاوندی قبول نکردند و چنان دانی المحل بود که نیمه دبه تا تنکاه را به اقطاع می‌خورد.» (تاریخ رویان، ۱۳۱۳: ۹۱)

در رابطه با واژه تنکابن و شهسوار نقطه نظرهایی عنوان شده که خوانندگان گرامی می‌توانند به فصلنامه تنکا یک، مقاله وجهه تسمیه تنکابن و شهسوار، آقای دکتر حبیب مشایخی و مقاله تنکابن یا شهسوار فصلنامه تنکا دو، آقای علی اصغر یوسفی نیا و کتاب تاریخ جامع تنکابن آقای صمصام‌الدین علامه رجوع نمایند.

۲. شهسوار: شادروان علی اکبر دهخدا، درباره این نام چنین نوشته است: شهسوار «مخفف شاهسوار، فارس و سوار دلاور و بهادر (ناظم الاطباء) سوار دلیر و ماهر در سواری اسب (آندراج) سوار بزرگوار و جلد و چالاک و ماهر و استاد در سواری» (لغت‌نامه: ۱۳۳۷، ج ۱۰: ۱۴۶۲۱).

آقای محمدرضا خلعتبری در کتاب خاندان خلعتبری، در رابطه با شاهسوار می‌نویسد: «زمانی که در شهسوار پستخانه دایر

از آن چنان آباد نبوده است. به هر روی بررسی این مطلب فقط شامل، حول محور شهسوار قدیم می باشد که بعد از انقلاب اسلامی نام تنکابن دوباره جایگزین نام شهسوار گردید.

### کلیدواژگان

تنکابن - بندر شهسوار - خرم آباد - تجار روس - ادارات دولتی و تفریحی - خیابان سیهسالار تنکابنی

---

شد بر مهر پستخانه (شاهسوار) حک شده بود که به تدریج، الف از بین رفت و شهسوار شد». (خلعتیری، ۱۳۵۴: ۷)  
چندین سال قبل در ماهنامه هنر و مردم نگارنده مقاله ای را خواندم تحت عنوان شهسوار که در مورد این واژه مطالبی را آورده بود که معنی آن را شوالیه و امثال آن معنی کرده بود. متأسفانه اسم نویسنده و شماره آن ماهنامه از ذهنم زده شده است.

#### مقدمه

شهرستان تنکابن در همسایگی رامسر و به همراه آن از غربی‌ترین مناطق استان مازندران می‌باشد، محدوده آن از سمت شمال به دریای مازندران، از سمت جنوب به دامنه‌های شمالی رشته کوه البرز (استان قزوین) از سمت شرق به عباس‌آباد (منتهی‌الیه پارک جنگلی خشکه‌داران...، از سمت غرب به ساحل شرقی رودخانه چالکرو، مربوط به شهرستان رامسر محدود است. شهر تنکابن بین ۵۰ درجه و ۵۲ دقیقه طول شرقی و موقعیت عرضی شمالی آن ۳۶ درجه و ۴۸ دقیقه است.

شهر تنکابن در جلگه‌ای ساحلی در ده کیلومتری ارتفاعات جنگلی و در ارتفاع بیست متری از سطح دریا قرار دارد. فاصله شهر تنکابن تا تهران ۲۵۲ کیلومتر و تا ساری (مرکز استان) ۲۳۰ کیلومتر است. رودخانه معروف تنکابن به نام چشمه کیله (سه هزار یامزر) که پس از پیوستن رودخانه‌های سه هزار، دو هزار، و لمرود تشکیل شده و پس از گذشتن از زیر پل چشمه کیله به دریا می‌پیوندد.

شهرهای شهرستان تنکابن شامل: تنکابن، خرم‌آباد، نشتارود، شیرو  
بخش‌های آن: ۱. مرکزی یا تنکابن ۲. بخش خرم‌آباد ۳. بخش نشتارود  
دهستان‌های آن شامل:  
۱. دهستان گلیجان به مرکزیت سلیمان‌آباد

۲. دهستان میرشمس الدین به مرکزیت میرشمس الدین

۳. دهستان نشتا به مرکزیت کترا

۴. دهستان قلعه گردن به مرکزیت بلده

۵. دهستان تمش کل به مرکزیت تمش کل

۶. دهستان دو هزار به مرکزیت امامزاده قاسم

۷. دهستان سه هزار به مرکزیت یوج

مساحت شهرستان تنکابن: ۱۶۶۲/۵ (یک هزار و ششصد و شصت و دو نیم) کیلومتر مربع

جمعیت شهرستان تنکابن: طبق سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ به تعداد

۱۹۴۷۱۹ (یکصد و نود چهار هزار و هفتصد و نوزده) نفر اعلام شده است، تعداد مردها

۹۷۷۸۷ نفر و تعداد زن‌ها ۹۶۹۳۲ نفر اعلام شده است.<sup>۱</sup>

پایه اقتصاد مردم تنکابن، بیشتر بر اساس کشاورزی، دامداری، و ماهیگیری است و

از محصولات معروف کشاورزی می‌توان از برنج، چای، مرکبات، کیوی، تره‌بار، قارچ،

زنبور عسل و ماهی و غیره را می‌توان نام برد.

---

۱. به علت جدا شدن بعضی از مناطق همچون عباس آباد و سلمان شهر و... از شهرستان تنکابن، طبقاً حدود ثغور و جمعیت و شهرهای این شهرستان، دچار تغییرات شد که در پی آن تعداد شهرها، دهستان‌ها، مساحت، جمعیت و حدود آن را استاد دکتر حبیب‌اله مشایخی به صورت شفاهی برای نگارنده بیان کردند.

### تبدیل نام تنکابن به شهسوار

در دوران گذشته بر اساس متون تاریخی، تنکابن منطقه‌ای بوده است که از سوی شرق تا مناطق نزدیک آمل و از غرب تا لنگرود یا رودسر را شامل می‌شد. در زمان پهلوی اول نام تنکابن به نام شهسوار تغییر یافت. به علت مرکزیت این شهر، بیشتر مردم اطراف از شهرهای دور و نزدیک به شهسوار می‌آمدند تا از لحاظ اداری کارهای خویش را به سامان برسانند با توجه به اینکه به علت ارتباط با دیگر شهرهای همجوار و دارا بودن بندر و اسکله، کشتی‌های شوروی سابق به این شهر آمد و شد می‌کردند؛ که در مجموع بندر شهسوار، نسبت به مناطق هم‌جوار، جلوه‌ای دیگر داشت. مضافاً بر اینکه پارک‌ها و مکان‌هایی برای سخنرانی و بعضی مکان‌های فرهنگی هرچند کوچک، جایگاه این شهر را در دهه‌های پیش نشان می‌دهد.

### خرم‌آباد مرکز تنکابن قدیم

در این نوشتار، قبل از اینکه بخواهیم از گسترش شهر شهسوار بنویسیم، لازم است، از شهر «خرم‌آباد» که زمانی مرکز تنکابن قدیم محسوب می‌شده، توضیح مجملی داده شود تا از مراحل شکل‌گیری بخشی از تنکابن (شهسوار) که مورد توجه بود یاد شود. ابتدا با استفاده از کتب و نوشته‌های سفرنامه‌نویسانی که به این حیطه مسافرت کرده‌اند، شرایط جغرافیایی آن دوره، مختصراً توضیحی داده می‌شود.

بارتولد می‌نویسد: «در سمت شرقی لاهیجان خط کوهستانی تنکابن واقع است. تنکابن منطقه ساحلی باریکی دارد که با مازندران سرحد است شهر عمده تنکابن خرم‌آباد است». (بارتولد، ۱۳۵۸: ۲۳۹)

با توجه به نوشته بارتولد و منابع موجود باید این نکته را یادآور شد که در آن زمان کلارستاق و کجور همراه با مناطق تنکابن را «محال ثلاث» می‌گفتند و مرکز حکمرانی محال ثلاث هم شهر خرم‌آباد بود که در بخش مربوط از آن یاد شد. «از خرم‌آباد یک بخشدار و نایب‌الحکومه به کلاردشت و چالوس و یک نایب‌الحکومه هم به کجور فرستاده می‌شد». (خاندان خلعتبری ۱۳۵۴: ۲)

رایینو راه شهسوار به بابل را در آن هنگام مالرو و خاکی دانسته است. (سفرنامه مازندران و استرآباد، ۱۳۶۵: ۵۳ و ۵۴)

عبدالحسین نوشین می‌نویسد: «شهسوار در گذشته بندر تجاری برای سوداگران خرم‌آبادی بود و پایه چوبی اسکله آن نیز هم‌اکنون در ساحل دیده می‌شود و خرم‌آباد مرکز آن بود». (نوشین، ۱۳۵۴: ۱۲۴)

صاحب کتاب طرائق الحقایق نوشته است: «چهارشنبه باید برویم کنار دریا و تماشای عمارت و باغ که بر ساحل ساخته‌اند نیم فرسخ است و آنجا را محله شهسواران گویند. تجار باکو، بازار و حمام و خانه‌های خوب دارند». (معصوم علیشاه، ۱۳۸۲: ۶۳۱)

با توجه به تحقیقات میدانی نگارنده از افراد بومی صاحب نظر، همراه با نوشته‌های در دسترس، این نتیجه حاصل گردید که تجار روس از زمان قاجار با مردم این دیار روابط تجاری داشته‌اند که این معاملات در زمان پهلوی کماکان ادامه داشته است. تجار روس برای تسریع در کسب کار خود چند دکان چوبی را به صورت معمولی ساخته و سقف آن‌ها را گالی‌پوشی کرده بودند که به آن کومله<sup>۱</sup> می‌گفتند.

این مغازه‌ها یا دکان‌های ابتدایی، در خیابان تختی کنونی قرار داشت که مسیر آن از میدان اصلی تنکابن (میدان امام) به سوی دریا ساخته شده بود. یعنی به طرف میدان ورزش (فضل‌الله نوری) که زمانی به «میدان سپهسالار» مشهور بود، چون این تجار بیشتر بادکوبه‌ای بودند به آن مغازه‌ها «دکان بادکوبه‌ای‌ها» هم می‌گفتند که وسایل مورد نیاز و سفارشات آن تجار از بادکوبه به وسیله کشتی ارسال می‌شد که شامل: بلورآلات، نفت، ساچمه، قماش قند و غیره بود که از این مناطق برنج، چوب شمشاد، پرتقال تخم‌مرغ و دیگر صادر می‌گردید.

۱. عده‌ای به جای کومله یا کمله از واژه کومه kume استفاده می‌کنند.

اسکله بندر شهسوار در انتهای خیابان میرزا طاهر تنکابنی قرار داشت (جنب چلوکبابی قدیم آقای طوبایی) که وسایل یا برنج صادراتی به وسیله خط ریلی که از کارخانه برنج کوبی اداره املاک (اداره چای کنونی) تا ساحل دریا کشیده شده بود حمل می‌گردید و به وسیله پاراخود یا پاراخوت به روسیه حمل می‌شد. همچنین یکی از مکان‌های توقف شرکت کشتیرانی «کاسپار» یا «شرکت بحر خزری» که مسئولیت حمل و نقل مسافر و پست را در بنادر شمال به عهده داشت، بندر شهسوار بود.

این شرکت دو خط منظم برای حمل و نقل دایر نموده بود:

خط اول بین بادکوبه -- بندر پهلوی

خط دوم، بادکوبه بندر آستارا -- بندر پهلوی -- چمخاله --- شهسوار -- مشهدسر -- بندر شاه (بندر گز یا جز) بود. که مورد فوق با استناد به پارس‌نامه در مقاله دیگری تحت عنوان «صادرات برنج از تنکابن به شوروی و چگونگی تحویل آن در زمان پهلوی» پیش از این نوشته شد. (دانای علمی، ۱۳۸۳، گیلان ما: ۱۱۳ الی ۱۱۶)

گمرگ و دیده‌بانی تنکابن (ساختمان کنونی اداره قند و شکر) در خیابان سپهسالار (شیخ فضل‌الله نوری) قرار گرفته بود. ساختمان محکم آن توسط مهندسین کشور سوئیس ساخته شد که در آن زمان به عنوان زیباترین و بهترین ساختمان ناحیه معروف بود. در وسط آن ساختمان، دودکشی را به گونه‌ای طراحی و ساخته بودند که تمام اتاق‌ها را گرم نگاه می‌داشت.

می‌گویند در آنجا چراغ راهنمایی را بر روی میله آهنی به ارتفاع بلند قرار داده بودند که در هنگام شب، مسئولان کشتی‌ها، از طریق آن، مسیر خود را مشخص می‌کردند. در روبه‌روی گمرگ تنکابن، باغ معروف سپهسالار قرار داشت که سپهسالار تنکابنی برای خود در آنجا خانه‌ای ساخته بود که به ضرس قاطع می‌توان گفت، جزء اولین ساختمان‌های بخش جلگه‌ای بوده است. می‌گویند: برای ساخت آن، گل و بعضی از مصالح آن را از شهر خرم‌آباد به آنجا آوردند نوع معماری آن سنتی، همراه با تلاری در ایوان طبقه بالا قرار دارد. (تصویر یک)

در زمان پهلوی اول آن باغ توسط اداره املاک تصرف شد که پس از آن به نام دفتر املاک اشتهاار پیدا کرد و مردم برای دادن مالیات برنج از مناطق دور به آنجا می‌رفتند. دیوار آجری باغ سپهسالار هنوز هم وجود دارد. آن دیوار به دستور شخص سپهسالار و با نظارت مستقیم وی توسط روس‌ها ساخته شد که طرح و سازه آن به طریقی است که

در سرتاسر دیوار دیده می‌شود و در بالای آن دیوار سفال‌هایی قرار دارد. (تصویر دو)

در زمان پهلوی اول بخشی از حصار آن باغ توسط مهندسين آلمانی با طرحی نو به شکلی زیبا در منطقه ساخته شد. آن‌ها زرده‌هایی را به صورت بیضی آماده کردند و بر روی سنگ‌هایی که از منطقه دو هزار به وسیله قاطرها آورده بودند قرار دادند که هنوز بخشی از آن زرده‌ها دیده می‌شود. در مجموع می‌توان گفت طرح دیوار و زرده، «روسی» آلمانی است.

زمانی دیوار اداره چای کنونی یا کارخانه برنج‌کوبی اداره املاک قدیم (خیابان میرزا طاهرتکابنی)، توسط آلمانی‌ها ساخته شد که دقیقاً شبیه دیوار زرده‌ای باغ سپهسالار بود و چنان که قبلاً عنوان کردیم، آن را هم آلمانی‌ها ساخته بودند. (تصویر سه)

انبار اداره املاک در میدان سپهسالار (میدان ورزش کنونی) جنب اداره دخانیات فعلی قرار داشت که ریاست اداره املاک آن موقع با اسفراجانی نامی بود.

بعد از انبار اداره املاک به سوی دریا، سمت غرب خیابان، اداره نظمیه (شهربانی) بود که مکان آن با بانک کشاورزی مرکزی قابل انطباق است که حدود آن، تا سینما ایران کنونی را شامل می‌شد. مکان دیده‌بانی شهربانی هم در انتهای بانک کشاورزی بود.<sup>۱</sup> در روبه‌روی جایگاه کنونی مدرسه فاطمة الزهراء (س) (رضا شاه کبیر سابق) باز هم انبار بزرگ شالی اداره املاک قرار داشت.

در روبه‌روی باغ سپهسالار (مکان کنونی سالن ورزشی امام رضا) پارکی قرار داشت که درخت‌های کاج و سرو همراه با گل‌های زیبا و رنگارنگ، جلوه و شکوه خاصی به منطقه می‌دادند، مخصوصاً اضافه نمودن فواره‌ای در داخل پارک که در آن زمان برای مردم تازگی داشت، باعث شده بود تا از اطراف و اکناف برای تفریح و تفرج به آنجا می‌آمدند.

در خیابان سپهسالار، مکان فعلی هفده شهریور (حافظ قدیم) پارکی موسوم به «باغ ملی» بود که وسعت آن از حدود بیمارستان تا ژاندازمی را شامل می‌شد. در وسط آن پارک، سایبانی چتری در حدود ده متر قرار داشت که در زیر آن صندلی‌های نهاده بودند. گاهگاهی بعضی از سخنرانی‌ها در آن مکان سرپوشیده انجام می‌گرفت. در این پارک علاوه بر گل‌های رنگارنگ و زیبا، دارای فواره‌ای هم بود که به زیبایی پارک می‌افزود

۱. اداره نظمیه یا شهربانی شهسوار بعد از مدتی بعد از مدتی در نزدیکی‌های مسجد جامع شهسوار، خیابان عارف (انقلاب کنونی) به خانه آقای ملکوتی انتقال یافت. پس از آن به مکان فعلی در جنب پل چشمه کيله منتقل گردید و ساخت ساختمان فعلی در سال ۱۳۱۶ شمسی انجام گرفت و به ثبت سازمان میراث فرهنگی رسیده است.

که هنوز بقایای آن فواره موجود می‌باشد. جنب کودکانستان دولتی مریم. (روبه‌روی منزل آقای رحیم‌زاده رئیس دبیرستان شاهین سابق، دویست متر مانده به ژاندارمری تنکابن) چنان‌که قبلاً یاد آور شدیم خیابان محمدرضا شاه یا تختی کنونی را می‌توان اولین خیابانی دانست که از لحاظ موقعیت اقتصادی، نقش بسزایی در پیشرفت شهر داشت. پس از آمد و رفت تجار روس به آن منطقه کم‌کم عده‌ای از مردم طالقان مغازه‌هایی را برای خود در آنجا دایر کردند که عمده فعالیت آن‌ها بیشتر در کارهای خرید و فروش برنج بود. در سمت غرب خیابان در مکان فعلی مسجد آذربایجانی‌ها، تاجری روسی به نام الکساندراف، چند دکان و انبار شالی داشت. مدتی بعد یک پزشک به نام «یزد نیک» که طبیب حاذقی بود در همان نزدیکی مطبی را برای خود دایر کرد که آمدن او در آن هنگام برای مردم ناحیه نعمتی محسوب می‌شد.

پس از ساخت مغازه‌های الکساندر روسی، چند مغازه توسط یک تاجر ایرانی به نام توپسرگانی ساخته شد که در آن زمان او بزرگ‌ترین واردکننده ظروف چینی از کشور روسیه بود. وی نماینده‌ای از طرف خود به نام «لیاری» در شهنسوار به عنوان مسئول تام‌الاختیار قرار داد. او علاوه بر تجارت، بیشتر ظروف وارداتی را توسط اقوام نزدیک و آشنایانش به مغازه‌ای که در میدان تنکابن در بخش جنوبی میدان (طبقه پایین چلوکبابی آقای طوبایی)، انتقال داد و ظروف چینی را به مردم عرضه کرد که به تدریج آن گروه در میدان شهنسوار به «لیاری‌های شهنسوار» معروف شدند.

پس از انتقال چند اداره مهم از جمله فرمانداری از خرم‌آباد به بندر شهنسوار، پیشرفت این شهر شتاب بیشتری گرفت که ساختمان‌های نوینادیکی پس از دیگری ساخته شد که می‌توان از طرح ساخت مغازه‌هایی به تعداد پنجاه یک باب، نام برد که توسط اداره املاک در زمان اسفرجانی در خیابان تختی (در سمت شرق) به مرحله اجرا درآمد که در آن زمان به آن مغازه‌ها «پنجاه و یک در»، می‌گفتند. البته درب بیشتر مغازه‌ها از چوب ساخته شده بود. (تصویر چهار)

می‌گویند: برای ساخت مغازه‌های پنجاه و یک در، از استاد کارهایی که در منطقه مشهور و معروف بودند یاری گرفتند.

بعدها در همین خیابان محمدرضا شاه، انبار شالی الکساندر اوف روسی تخلیه شد و به جای آن کارخانه قند، توسط آقای بالایی تأسیس گردید و رفته‌رفته زورخانه‌ای هم در مکان فعلی مسجد آذربایجانی‌ها ساخته شد که باستانی کارهای قدیمی می‌گویند:

شخصی به نام حسن اسلامی از شهر لاهیجان به شهسوار آمد و اولین زورخانه این شهر را دایر کرد.

در میدان ژاندارمری (شهید شیرودی) در مکان فعلی آموزش پرورش، قبرستان عمومی شهسوار محل قرار داشت. علاوه بر آن، قبرستان قدیمی دیگری در بلوار امام رضا غربی، روبه‌روی خیابان وحدت یا شهرک ستوده، در بخش شمالی دایر بود.

در مسیر خیابان اصلی شهر یا جمهوری کنونی مخصوصاً قسمت شرقی آن پر از درخت‌های جنگلی و انار شمشاد و بوته‌های تمشک بود که گویند در هنگام شب کسی جرئت قدم زدن در آن مسیر را به خود نمی‌داد.

آقای جعفر مسعودی می‌گوید، تنها مسیر اصلی که کمی آباد و قابل ایاب و ذهاب بود مسیر سبزه‌میدان بود که به خیابان سپهسالار (فضل‌الله نوری) متصل می‌شد که از آنجا هم به خیابان تختی کنونی راه داشت. او همچنین در رابطه با مراحل اولیه ساخت پل چشمه کیله می‌گوید: قبل از اینکه پل چشمه کیله ساخته شود حمامی قدیمی به نام حمام سپهسالار در آنجا قرار داشت که مکان آن دقیقاً با ستون دوم بخش غربی پل، قابل انطباق است که برای ساختن پل کنونی حمام را خراب کردند.<sup>۱</sup>

ساخت پل بزرگ تنکابن به نام «چشمه کیله» که به واسطه رود خروشان چشمه کیله که از همان محل می‌گذشت نام‌گذاری شد که آن کار باعث گردید تا راه ارتباطی شرق و غرب یا شهرهای همجوار به سهولت انجام گیرد، که یکی از عوامل گسترش شهسوار به واسطه آن پل بوده است که لازم می‌دانیم مجملی از چگونگی ساخت آن را با امکانات محدود آن دوره باز می‌گوییم.

مسئولیت ساخت این پل توسط «مسیو پاسره» فرانسوی که پیش از آن پل سپید رود را ساخته بود انجام گرفت. ساخت آن از سال (۱۳۰۸ ش) شروع و تا سال (۱۳۱۱ ش) ادامه یافت. شرکت «اشکودا» یا شرکت هیجده آلمان هم مراحل اجرایی آن را عهده‌دار گردید. می‌گویند: در هنگام ساخت سه بار این پل فروکش کرد.

سنگ و دیگر وسایل مورد استفاده از کبود کلايه و دو هزار تنکابن به وسیله قاطر و اسب، بدان جا آورده شد. آلمانی‌ها سنگ‌ها را به صورت خاصی تراشیدند و در زیر طاق پل قرار دادند که از قرار دادن سنگ‌های تراشیده شده در کنار هم، گلی ساخته شد

۱. آقای جعفر مسعودی ملقب به جعفرالسلطان پسر میرزا کریم مسعودی (فقیه) که مادرش دختر امیر اسعد خلعتبری است به عبارت ساده‌تر وی نوه دختری سپهسالار تنکابنی می‌باشد.

که ساخت این گل‌های سنگی در سرتاسر، یا در طول پل بخش شمالی و جنوبی انجام گرفت که به اصطلاح می‌گفتند: گلکاری گردید. طول این پل ۱۲۳ متر عرضش ۶ متر (بعداً چند متر بر پهنایش افزودند) و ارتفاعش هم ۵ متر می‌باشد با توجه به اینکه قبلاً درباره تاریخچه پل نوشته‌ام تکرار آن را دیگر ضروری نمی‌دانم. (دانای علمی، ۱۳۸۱، گیله‌وا: ۲۵)

در بلوار دکتر علی شریعتی در کنار رودخانه چشمه کیله، مکان ماهی‌فروشی مخصوصی بود که اصطلاحاً به آنجا بس (bas)<sup>۱</sup> می‌گفتند شخصی به نام علی اصغر بالایی، آن مکان را از دولت کرایه کرده بود و ماهی‌های منطقه را تأمین می‌کرد. ماهی‌ها پس از خروج از «بس» در مکانی محصور شده از چوب‌های نازک به ابعاد ۵ × ۵ در میان آب نگاهداری می‌شدند و مشتری‌ها و طالبان ماهی در آنجا ماهی زنده را نسبتاً ارزان‌تر از دیگر مکان‌ها تهیه می‌کردند.

بعد از پل چشمه کیله به سوی میدان شهر، جهت شمالی خیابان رضا شاه (جمهوری کنونی)، مغازه‌هایی که در آن زمان به کسب و تجارت مشغول بودند برای مزید اطلاع و آگاهی به ترتیب یادی می‌شود.

ابتدا حجره جباری بود، که در طبقه دوم آن حجره اداره ثبت اسناد و املاک قرار داشت که در جنب آن تجارتخانه چای و برنج کریم صیادی و در کنار آن هم عکاسی آرتوش روسی بود. در نزدیک میدان (مکان کنونی کتابفروشی فردوسی) مهمان‌خانه آرمیده قرار داشت که در طبقه دوم، تمام مغازه‌های فوق‌الذکر تا اداره مالیه (اداره دارایی کنونی) دفتر اداره چای شهسوار و حومه بوده که رتق و فتق اداری در آنجا انجام می‌گرفت. در پشت ساختمان‌های نام برده شده بازارچه قدیمی وجود داشت که بیشتر محصولات کشاورزی روستاییان در آنجا به فروش می‌رفت که به «شیطان بازار» اشتها داشت البته این بازار هنوز هم پایرجاست و به «شیطان بازاری»<sup>۲</sup> معروف است.

در سمت جنوبی خیابان رضاشاه، کارخانه چای‌سازی حاجی دایی، دایر بود که نسبت به مغازه‌های هم‌جوار فعالیت بیشتری داشت.

در سمت شرقی میدان اصلی شهر اداره مالیه (اداره دارایی) و در سمت غربی میدان،

۱. بس (bas) - برای درست کردن آن سه پایه‌هایی چوب‌های قرص و محکمی را در مسیر رودخانه قرار می‌دادند و آن گاه از ناحیه وسط، یا میانی آن سه پایه، رو به طرف پایین یا رودخانه، چوب‌های به فواصل نزدیک کنار هم قرار می‌دادند که بر اثر جریان رودخانه ماهی‌ها در پشت آن چوب‌ها جمع می‌شدند و ماهی‌گیران پس از گرفتن آن ماهی‌ها، آن‌ها را در مکانی به نام جار (râj) می‌گذاشتند.

2. Şey-tân - bâ-zâ-ray

دفتر گاراژی قرار داشت که امتداد آن تا مسجد بازار کنونی ادامه می‌یافت.

از اتوبوس‌های اولیه آنجا می‌توان از «کشور تور» و «اتو تاج» نام برد. در طبقه دوم گاراژ هم سربازخانه‌ای قرار گرفته بود که از مناطق رودسر تا نوشهر و حوالی آن برای امور سربازی و غیره بدان جا می‌آمدند.

گاراژی هم در جنوب شرقی میدان بود، معروف به «گاراژ طالقانی» که بخش اعظم آن منطقه را در بر می‌گرفت، در طبقه دوم این گاراژ مهمانخانه ملکوتی قرار داشت و در نزدیکی نبش میدان (جنب تعاونی کنونی) مغازه تویسرگانی بوده که لیاری‌ها در آنجا خرید و فروش می‌کردند که درباره آن‌ها قبلاً توضیح لازم داده شد. در طبقه فوقانی، تلفن‌خانه‌ای قرار داشت که مراجعین از تلفن هندی استفاده می‌کردند و مسئول آنجا شخصی به نام دریایی سبزه میدانی بود.<sup>۱</sup>

دادگاه شهسوار در جنوب غربی میدان بوده که بیشترین شکایات را از مناطق دور نزدیک، بنا به گستردگی و مرکزیت بدان جا می‌آوردند. مدرکی در رابطه با دعوای حقوقی افرادی، نزد نگارنده موجودی باشد که در آن مدرک از رحیم‌آباد تنکابن (نزدیک رودسر) نام برده شده است.

بعد از مدتی به علت گسترش شهر و افزایش جمعیت، در سال ۱۳۱۶ بیمارستان پهلوی شهسوار (شهید رجایی کنونی) در مکان کنونی ساخته شد که جوابگوی بیماران بود سمت جنوبی این خیابان بعد از میدان ابتدا، شهرداری شهسوار قرار داشت که آن را در سال ۱۳۱۴ ساختند. البته شهرداری و فرمانداری در یک ساختمان به کارهای ارباب رجوع رسیدگی می‌کردند. (شهرداری در طبقه اول و فرمانداری در طبقه دوم)

در خیابان گلیجان سابق (طالقانی) روبه‌روی بیمه ایران مکان آتش‌نشانی شهسوار بود که شخصی روسی به نام نیکلا با ماشین روسی آتش‌نشانی خود، به فعالیت مشغول بود. در آن مکان هم به واسطه نوع کار، همیشه منبع‌های بزرگی مملو از آب را در جلوی آتش‌نشانی قرار می‌دادند، تا اگر مکانی آتش گرفت برای خاموش نمودن آتش آماده باشند. در پشت آتش‌نشانی (بازار روز کنونی) هم مدرسه‌ای قدیمی به نام «دیانت» قرار

---

۱. آقای صمصام‌الدین علامه در این مورد نوشته است: اولین فردی که یک دستگاه مغناطیس پانصد شماره‌ای را در شهر شهسوار تأسیس نمود آقای کاظم شهیدیان بود که پس از ایشان آقای عزیزاله مشکینی مسئول اداره تلفن همگانی گردید پس از وی آقای رجبعلی دریایی مسئولیت تلفنی تنکابن را عهده‌دار بوده است. (تاریخ جامع تنکابن: ص ۳۱۴)  
البته نکته‌ای که باید یادآوری شود، این است که قبل از آوردن تلفن یا تلگرافخانه به شهسوار مدت‌ها قبل از آن یعنی در زمان قاجاریه اولین تلگرافخانه در شهر خرم‌آباد افتتاح گردیده بود به قول رابینو: تلگرافخانه‌ای دارد (منظور شهر خرم‌آباد) که آنجا را به رشت مربوط می‌سازد. (سفرنامه مازندران و استرآباد: ۵۳)

داشت. با توجه به اینکه میدان گلیجان (هفت تیر) هم یکی از میدان‌های قدیمی تنکابن بود که روستاییان از مکان کوهستانی خود قبل از ورود به شہسوار با اتوبوس‌های آن موقع ابتدا در آنجا پیاده می‌شدند.

در بندر شہسوار علاوه بر «باغ ملی» که قبلاً درباره آن توضیحات لازم را دادیم باغ معروف دیگری با وسعت بسیار زیاد وجود داشت که به آن «باغ نظر یا باغ مزر» می‌گفتند حدود آن از پشت شہربانی تا خیابان طالقانی کنونی نزدیک بانک صندوق تعاونی کشور، جنب مصالح ساختمانی آقای اسدی (تبدیل به بانک شده است.) واقع در کوچه کاوه را شامل می‌شد.

اولین ساختمان در «باغ نظر» توسط آقای گرگانی ساخته شد که در آن زمان معروف به «خانه گرگانی» بود. آن ساختمان پس از تعمیرات هنوز پابرجاست و در کوچه گرگانی قرار دارد که فعلاً ماهنامه «شمیم شمال» در آنجا دایر است.

اداره املاک در آن زمان برای تشویق و ترغیب مردم اطراف برای استقرار و مهاجرت به شهر جدیدالتأسیس شہسوار، چند خانه در نقاط مختلف شهر ساخت که به آن‌ها «خانه روستایی» می‌گفتند که به عنوان نمونه می‌توان از خانه‌ای در جنب هلال احمر کنونی نام برد که متعلق به آقای فرحمند (فرهمند) بود. یا خانه‌ای دیگر در پشت شہربانی کنونی ساخته شد که به آقای دشتی واگذار گردید.

اکنون که تا حدودی از مکان‌های گوناگون شہسوار قدیم نوشته‌ایم دریغ است از دو محله قدیمی بندر شہسوار به نام شہسوار محل و ولمرز که نسبت به چند محله دیگر معروفیت بیشتری داشتند نام نبریم.

ولمرز: درباره نام ولمرز می‌گویند: در اصل «ولی مرز» بود که نام «ولی» یادآور نام ولیخان سپهسالار است که بیشتر آن مناطق متعلق به او بود. گویا حدود مسجد ولمرز کنونی حد و مرز املاک وی را مشخص می‌کرد.

شہسوار محل: - یکی از محله‌های بسیار قدیمی بود که به عقیده عده‌ای نام شہسوار برگرفته از نام اولیه این محله، که شہسوارش می‌خواندند، می‌باشد که در پانوشت شماره دو، در مورد آن تقریباً توضیح لازم داده شد. چند دهه پیش، حمای قدیمی در جنب مسجد شہسوار محل (مسجد ساعد) قرار داشت که در زمان پهلوی دوم به علت راهسازی تخریب شد. در زمان قدیم یک رود آن محل را به دو قسمت تقسیم می‌کرد. دو محله

معروف شهسوار محل به نام جیر محلی<sup>۱</sup> و جار محلی<sup>۲</sup> بودند و چشمه‌ای در جیر محلی حدود پانصد متری میدان ژاندارمری (شهید شیرودی) جنب ساختمان حاج خلیلی قرار داشت که به آن چشمه سر<sup>۳</sup> می‌گفتند.

### نتیجه

تنکابن در ادوار گذشته منطقه وسیعی بوده که از مناطق رودسر تا حدود آمل را شامل می‌شده است که بافت کل شهری و گسترش آن بعد از سال ۱۳۱۰ خورشیدی شروع شد. یعنی از زمانی که چند اداره مهم کم‌کم، از خرم‌آباد به بندر شهسوار انتقال داده شدند، این شهر رفته‌رفته از لحاظ اقتصادی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی رشد یافت.

روند رو به رشد بندر شهسوار که زمانی بندر شهر خرم‌آباد کنونی بود را باید در رابطه با راه‌های ارتباطی جدید آن زمان جست، زیرا طرح جاده‌سازی جدید و منسوخ شدن راه‌های قدیمی همراه با ارتباط گسترده‌تر دریایی، مناسبات جدیدتری را به دنبال داشت، که در پی آن، دستور انتقال تدریجی ادارات مهمی که در خرم‌آباد قرار داشتند به بندر شهسوار داده شد و دیگر شرایط، باعث شد که خرم‌آباد آن مرکزیتی که قبلاً دارا بود از دست داد.

ارتباط بندر شهسوار با شهرهای بندری و شوروی سابق و به شناخته شدن به عنوان مرکز مناطق دیگر، باعث شد که بندر شهسوار کم‌کم گسترش یابد.

در انتها از پدر بزرگوارم مرحوم حسین دانای علمی که با صبر و حوصله بسیار، بیشتر مطالب شفاهی دربارهٔ این موضوع را در اختیارم قرار داد و همچنین دیگر یارانی که مرا در نوشتن این بخش یاری رساندند تشکر می‌کنم.

1. jir-ma - ha - lay

2. jār - ma-ha-lay

3. ĆeŠ -me-sar

## منابع

۱. آملی، اولیاءالله، (۱۳۱۳). تاریخ رویان، به کوشش عباس خلیلی.
۲. بارتولد، و، (۱۳۵۸). تذکره جغرافیای ایران، ترجمه حمزه سردادور، چاپ دوم، تهران، نشر توس.
۳. خلعتیری، محمدرضا، (۱۳۵۴). خاندان خلعتیری، نشر؟.
۴. دوستخواه، جلیل، (۱۳۶۴). اوستا، نامه مینوی آیین زرتشت از گزارش استادپور داود، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مروارید.
۵. رایینو، ه - ل، (۱۳۶۵). سفرنامه مازندران و استرآباد، چاپ سوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. علامه، مصصام‌الدین، (۱۳۷۷). تاریخ جامع تنکابن، چاپ اول، انتشارات تنکابن.
۷. لغت‌نامه دهخدا، (۱۳۷۷). زیر نظر دکتر معین و سید جعفر شهیدی جلد ده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. معصوم شیرازی، محمد، (۱۳۸۲). طرائق الحقایق، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران، انتشارات سنایی.
۹. نوشین، عبدالحسین (۱۳۵۴). چالوس، تهران: چاپ نقش جهان.
۱۰. یوسفی‌نیا، علی‌اصغر، (۱۳۷۲). تاریخ تنکابن، چاپ اول، تهران، نشر قطره.

## مقالات

۱. دانای علمی - جهانگیر (۱۳۸۱). تاریخچه ساخت پل بزرگ تنکابن (پل چشمه کیله)، ماهنامه گیله‌وا، سال یازدهم ش ۶۷، صاحب امتیاز م، پ، جکتاجی، ص ۲۵.
۲. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۳). صادرات برنج از تنکابن به شوروی و چگونگی تحویل آن در زمان پهلوی اول، گیلان ما، صاحب امتیاز دکتر محمدعلی فائق سال پنجم، پیاپی ۱۷، صفحات ۱۱۳ الی ۱۱۶.
۳. ؟، (سال ۱۳۰۸ خورشیدی). نقلیه بحر خزر، سال‌نامه پارس، ۲۷۵.
۴. مشایخی، حبیب (۱۳۷۲). وجه تسمیه تنکابن، فصلنامه تنکا یک، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.